

همایش نام‌های جغرافیائی

نویسندگان مقاله

۱. رزیتا صالحی نظامی دانشجوی دکتری باستان شناسی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

شاغل در سازمان میراث فرهنگی

سن ۳۴ سال

نشانی: خیابان شهید باهنر - خیابان شهید مقدسی - خیابان نخجوان - خیابان همایون - خیابان مریم - پلاک ۴

شماره تماس: ۲۲۷۲۸۷۵۴ - ۰۹۱۲۱۷۱۳۳۸۷

Email: rozita_s@yahoo.com

۲. روشن نجف زاده کارشناس ارشد باستان شناسی

سن ۳۴ سال

نشانی: خیابان شریعتی - خیابان شهید میرزا پور - خیابان فاطمیه - مهر ۴ - پلاک ۱۵

شماره تماس: ۲۲۲۰۵۴۰۶ - ۰۹۱۲۱۹۷۵۲۰۳

Email: rsn 1380@yahoo.com

راگا، ری باستان

چکیده:

ری یکی از شهرهای باستانی ایران است که سکونت بشر در آن شش هزار سال قدمت دارد. این شهر تاریخی نقش مهمی را در حیات اجتماعی و تاریخی ایران داشته و حوادث مهمی را از سر گذرانده است. برخی آن را زادگاه زرتشت و جایگاه مغان دانسته و روزگاری رویدادهایی اتفاق افتاده در آن از زبان داریوش بر کتیبه بیستون نقر شده است. در ادوار مختلف تاریخی نامهای گوناگونی داشته در پارسی باستان راگا، در اوستائی رگها یا رغه، در یونانی راگس، راگو یا راگیا و در منابع سریانی ری خوانده شده است. بسیاری از کتب و منابع قدیمی نظیر اوستا، توبیت، معجم البلدان، نزهه القلوب، المسالک و الممالک، آثار البلاد و اخبار العباد و بسیاری از سفرنامه‌ها نظیر سفرنامه ناصر خسرو، ابن بطوطه، کلاویخو، سرپرسی سایکس و . . . به ذکر حوادث و اتفاقات آن پرداخته‌اند.

مقدمه

شهر باستانی ری از شهرستانهای استان تهران در ۱۴ کیلومتری جنوب شرقی پایتخت واقع شده است. این شهر از طرف شمال و مشرق به تهران، از جنوب به قم و از مغرب به ساوه و کرج محدود است. این شهر کهن در ادوار مختلف تاریخی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است و در بسیاری از سلسله‌ها و دولت‌های دوران تاریخی و اسلامی از مراکز مهم حکومتی به شمار می‌رفته است. قدمت سکونت در این سرزمین با استناد به دستاوردهای باستان‌شناسی به حدود ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح می‌رسد و در بسیاری از متون کهن نظیر اوستا و کتیبه بیستون و در گفتار بسیاری از جغرافیا نویسان، وقایع نگاران، جهانگردان، مبلغان مذهبی و ماموران سیاسی بیگانه از آن سخن رفته است. این پژوهش به معرفی، بررسی، قدمت، منابع مهم تاریخی نظیر سفر نامه‌ها و به بررسی معنایی و معنوی نام این سرزمین کهن و وجه تسمیه آن می‌پردازد.

جغرافیای ری

از زمانهای پیشین در این باره که مکان واقعی ری باستان کجا واقع است و حدود آن تا به کجا می‌رسیده نفل قولهای گوناگونی وجود دارد:

یاقوت حموی در جلد اول معجم البلدان ذیل کلمه بهزان می‌گوید: بهزان جایگاهی نزدیک ری است. گویند ری در آنجا بوده و سپس مردم به جایگاه امروز کوچ کردند و آنجا ویران شده و آثار آن هنوز در شش فرسنگی برجاست. (حموی، ۱۳۸۰)

محمد قزوینی و اقبال آشتیانی احتمال می‌دادند بهزان تصحیف شده تهران باشد.

در کتاب دررالتیجان، جلد ۲ در باب ری آمده است: به عقیده برخی از فضلا «راگز» یا ری همان قلعه ایرج است که نزدیک شهر ورامین میباشد. اما ظن قریب به یقین شهر ری همان حدود و اراضی جنوب شرقی دارالخلافه طهران است که زاویه مقدسه حضرت عبدالعظم از آن اراضی میباشد. (کریمان، ۱۳۴۵)

ناصر خسرو در سفرنامه خود در میان فواصل جغرافیایی شهرهای مهم از ری اینچنین آورده است: از بلخ تا ری سیصد و پنجاه فرسنگ و از ساوه تا ری سی فرسنگ و از ری تا سپاهان پنجاه فرسنگ و از ری تا آمل سی فرسنگ است.

پهنه شهر باستانی ری از نظر قدمت به دو بخش تقسیم میشود. یکی ری باستانی که در جنوب چشمه علی میان باروی عظیمی که در روزگاران پیش از اسلام احداث شده بود قرار داشته است که به این قسمت ری برین یا ری علیا میگفتند و دیگری ری سده‌های واپسین که در جنوب شرقی ری نخستین یا ری علیا در جنوب کوه بی بی شهربانو واقع شده بود و به ری زیرین یا ری سفلی معروف بود. (قدیانی، ۱۳۷۹)

شهر ری در دشتی واقع است که در شمال آن کوه بی بی شهربانو قرار دارد و جنوب آن به بیابان ختم می‌گردد. در شهر ری شیب زمین از سوی شمال غرب به جنوب شرق است و آب و هوا و قنوت همه در این مسیر هستند. درباره طول و عرض جغرافیائی ری نخستین محاسبه توسط بطلمیوس صورت گرفته است که طول جغرافیائی آن را (۷۵ درجه از ساحل بحر غربی) ذکر کرده است و عرض جغرافیائی آن در معجم البلدان ۳۷ درجه و ۳۶ دقیقه ذکر شده است. (کریمان، ۱۳۴۵) و دارای ۳۵ درجه و ۳۴ دقیقه عرض شمالی و ۵۱ درجه و ۲۶ دقیقه طول شرقی است.

قدمت ری

نتایج حاصل از کاوشهای علمی در چشمه علی ری بیانگر قدمتی معادل ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح برای این منطقه می‌باشد.

رازی می‌گوید شهر ری را شیت بن آدم پیغمبر ساخت و هوشنگ پیشدادی عمارت آن افزود. (حموی، ۱۳۸۰) پس از آن در زمان آشوریان (پیش از دوران ماد) بخش عمده‌ای از سرزمین ماد در اختیار شاهان آشور بود و در آغاز قرن هفتم قبل از میلاد در پهنه ماد بیش از پنج ایالت آشوری وجود داشت که ری از آن جمله بود. بارتولد در جغرافیای تاریخی ایران مینویسد: آریائی‌ها هنگامی که به سمت مغرب حرکت میکردند در ری داخل ولایتی شده بودند که سابقاً نیروهای آشوری وارد آنجا شده بودند و بنابراین مملکت مزبور (ری) ممکن بود تحت نفوذ تمدن بین‌النهرین بوده باشد. (بارتولد، ۱۳۷۷)

پس از آن مادها که مردمی آریایی نژاد بودند در قرن هفتم پیش از میلاد دولت ماد را تاسیس کردند و جغرافیدانان دولت ماد را به دو ماد بزرگ و کوچک تقسیم کرده‌اند که ماد بزرگ با عراق عجم قرون بعد مطابق است که ری جزء آن بوده است و به ماد راگیان یا ماد رازی نامیده می‌شده، و ماد کوچک همان آذربایجان و قسمتی از کردستان بوده است. دیاکونوف در تاریخ ماد آورده است آریزانتیان که از قبایل ماد بودند در اقصی نقاط مشرق ماد زندگی میکردند و احتمالاً مغها نیز در همان حدود نزدیک رغه که در قرون وسطی ری خوانده شده می‌زیستند.

در میراث دینی دوران تاریخی نیز از رغه یاری به عنوان کانون مرکزی معنویت و روحانیت ایران باستان یاد شده که پیشوایان دینی و مقامات ارشد روحانی در ری اقامت و حکومت دینی و دنیوی داشتند و آتش مقدس در ری پاسداری میشد. (دیاکونوف، ۱۳۸۳)

در دوران هخامنشیان نیز از راگا یاری در کتیبه بیستون نامبرده شده است. (شارپ)

ری به همراه اصفهان و یزد ولایات سه گانه را تشکیل میداد که در نوشته‌های هرودوت آمده است. پس از آن در منابع تاریخی گوناگون از ری در زمان سلوکیان، اشکانیان و ساسانیان نام برده شده است. بطوریکه گویند در عهد سلوکیان زلزله شدیدی شهر ری را ویران کرد و سلوکوس اول معروف به نیکاتر (۲۸۰-۳۱۲ ق.م) خرابی‌ها را مرمت و شهر را بار دیگر آباد گردانید و نام موطن خویش اورپس (Europos) را بر آن نهاد. (سعیدیان، ۱۳۷۹)

ایزودور خاراکسی در قرن اول میلادی مینویسد ری از تمامی شهرهای ماد بزرگتر بود و اقامتگاه شاهان اشکانی در بهار به شمار می‌رفت و به ارشکیه معروف شده بود و سکه‌های درخامای سیمین مهرداد دوم (سال ۱۱۵ ق.م) ضرب راگا است و هنگامیکه ساسانیان به سلطنت رسیدند این شهر را به نام باستانی آن ری نامیدند که به صورت ری اردشیر یا ری شهر نیز خوانده می‌شد. (قدیانی، ۱۳۷۹)

پس از اسلام ری در زمان خلافت عمر بعد از فتح نهاوند فتح گردید و در دوران خلافت امویان، عباسیان، علویان، سامانیان، آل بویه، غزنویان و سلجوقیان و نیز به دلیل موقعیت مکانی و جغرافیائی که بر سر راههای مشهور ابریشم که غربی ترین و شرقی ترین نقطه جهان را به هم پیوند می داد قرار داشت، محل برخورد اندیشه ها و عقیده ها بوده و از اهمیت خاصی در هر دوران برخوردار بود و لیکن در حمله مغول چنان ضربتی خورد که دیگر هیچگاه نتوانست اعتبار پیشین خود را به دست آورد.

نام ری از نظر لغوی و معنا و وجه تسمیه

در چگونگی اطلاق نام این سرزمین اقوال مختلفی وجود دارد. در برهان قاطع در توضیح کلمه ری چنین آمده است: ری به فتح اول و سکون ثانی نام شهری است در عراق و نام پادشاه زاده ای هم بوده گویند او را برادری بود که راز نام داشت و هر دو به اتفاق شهری بنا کردند در تسمیه آن ایشانرا با هم نزاع شد چه هر یک خواستند به نام خود کنند. بزرگان آن زمان برای دفع نزاع شهر را به نام ری و اهل شهر را به نام راز کردند و حالا نیز شهر را ری میگویند و اهل شهر را رازی. (برهان قاطع)

در کتاب تطبیق جغرافیائی اعتماد السلطنه ذکر شده است: در اشتقاق کلمه ری چیزها گفته اند تا آنجا که آن را از کلمه راج سانسکریت مشتق دانسته اند به معنای «تشنه بسیار» چنانکه راج و راجه هندیها که برای پادشاهان آنها به کار میرفته است. (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۳)

در کتاب توبیت که حوادث آن در قرن هفتم پیش از میلاد اتفاق افتاده ری را به صورت راگس یا راجس «Rages» آورده و در کتاب ژودیت در ۶۵۹ پیش از میلاد نام ری به صورت راگو «Ragau» آمده است و البته میتوان از روی تشابه دو کلمه نتیجه گرفت که منظور از هردو یکی است و حرف s در آخر راگس جزء اصل کلمه نیست و از زبان یونانی به آن وارد شده است.

پس از آن در کتیبه بیستون که از زبان داریوش نوشته شده است این شهر به عنوان «Raga» (مکانی در ماد) خوانده شده و در اوستا به صورت «Ragha» آمده است که به صورت رغه تلفظ میشد در یونان راگو «Rhagoe» راگا «Rhaga» و راکیا «Rhageia» بیان میشد و در منابع سریانی صورت «Rai» و در ارمنی «Re» و در پهلوی «Rak»، «Rag»، «Ragh» ، «Rai» آمده است.

این صورتهای همه به یک ریشه واحد باز میگردد و اصل آن چه بوده و چه معنی داشته مشخص نیست. (کریمیان، ۱۳۴۵)

در دوره سلوکی چنان که پیش از این گفته شد نام شهر به اورپوس «Europos» تغییر کرد و در زمان اشکانیان نیز آن را ارشکیه می نامیدند.

در برخی منابع اسلامی به صورت الری آمده و در دوره ای نیز در عهد خلفای عباسی آنرا محمدیه می نامیدند.

در مختصر البلدان این فقیه آورده شده که ری در عهد جاهلیت «ارازی» نام داشته است و احداث آنرا به رُوی از فرزندان بیلان بن اصبهان بن فلوج بن سام بن نوح نسبت داده اند که نام ری برگرفته از همان روی است.

راجع به اینکه آریانها بعد از ورود به فلات ایران چگونه منتشر شده اند شانزده مملکت ذکر شده است که یکی از آنها معلوم نیست از پانزده مملکت، اولی ایران و یج یا مملکت آریانها ۲- سوغده یا سغد ۳- مورو یا مرو ۴- باخدی یا باختر ۵- نیسایه محلی در نزدیکی سرخس یا نیشابور ۶- هرای یا هرات ۷- وای کرت یا کابل ۸- اورو یا طوس یا غزنه ۹- وهرگان یا گرگان ۱۰- هرهوواتی یا رخج ۱۱- ای نزومنت یا وادی هیلمند ۱۲- رگ یا ری ۱۳- سخر یا شاهرود ۱۴- ورن یا البرز ۱۵- هپت هیند یا پنجاب هند. (قدیانی، ۱۳۷۹)

از آنچه در کتب قدیمی نظیر مختصرالبلدان، عجایب نامه، مجمل التواریخ و... بر می آید این است که سازنده این شهر در نام خود ری یا راز را داشته که نام او بر شهر مانده است. همچون رازبن اصفهان یا راز بن خراسان که همه این اقوال غیر مستند و افسانه وار هستند. و تنها مدارک مستند همان اوستا، کتیبه بیستون و ضمام تورات میباشد که در آنها ذکر نام ری رفته و لیکن درباره منشأ و ریشه این نام مدرک مکتوبی در دست نیست.

ری از دیدگاه کتب قدیمی

از قدیمی ترین منابعی که از ری نامبرده اوستا میباشد که در کتاب وندیداد در فرگرد یا فصل اول در آفرینش زمین و کشورها آمده است. «دو از دهمین کشور بانزهدت که من، اهورا مزدا، آفریدم، ری (رغه) با سه نژاد است». اهریمن پر مرگ بر ضد آن آفت بی اعتمادی پدید آورد که منظور از سه نژاد را نژاد ایرانی، نژاد زرد پوست تورانی و نژاد تازی دانسته اند.

در روایات متاخر قرون وسطی آمده که «زرتشت» از مردم ماد بوده است ولی دربار ویشتناس، حامی وی که عرصه وعظ و تبلیغ او بوده، در بلخ (تختگاه باختر) و یا طوس (خراسان - پارثه) قرار داشته. ضمناً زادگاه پیامبر را گاهی آذربایجان و گاهی ری (نزدیک تهران جنوبی در ماد شرقی) ذکر می کردند. در اوستا (یسنه ۱۸، ۱۹) روایتی وجود دارد که خود زرتشت (یا جانشین وی) فرمانروای ری بوده است. شاید قبیله مغان که کاهنان و روحانیون مبلغ تعلیمات زرتشت از میان ایشان انتخاب و استخدام میشدند، از ری بودند. (دیاکونوف، ۱۳۸۳)

سایر منابع باستانی که از ری نام برده اند عموماً مربوط به قرون هفتم و ششم پیش از میلاد و از آن پس میباشد، بطور مثال در کتاب توبیت که داستان فردی یهودی است در قرن هفتم پیش از میلاد می زیست و کتابی اخلاقی در باره زندگی توبیت و پسر او میباشد نام ری به صورت راگس (Rages) آورده شده است و میگوید «او (توبیت) در سرزمین ماد در شهر ری ده تالان نقره به یکی از خویشاوندان خود سپرده بود».

کتاب دیگر کتاب ژودیت است که نویسنده آن ناشناس میباشد و در باب اول بند پنجم آن آمده است: «همان روز ها نبوکد نصر با آرخاکساد در دشت بزرگی که دشتی است در سرحداتی راگو

(Ragau) جنگ میکرد » حال در اینکه این راگو همان ری باشد یا منطقه دیگری در نزدیکی دجله و فرات نقل قولهای متفاوتی شده است. منبع دیگری که از ری به صورت روشنی در آن سخن رفته کتیبه بیستون داریوش شاه هخامنشی است که به زبان پارسی باستان، عیلامی و یونانی در (۴۸۶ - ۵۲۱ ق.م) در جبهه کوهی در بیستون کشف شده است که این کتیبه به شرح وقایع اولین سالهای سلطنت داریوش و فتوحات او در نوزده جنگ میپردازد. متن پارسی باستان آن در ۴۱۲ سطر در پنج ستون در زیر نقش داریوش و نه نفر نافرمان قرار گرفته است. و در بند ۱۳ آن اینچنین آمده است:

« شای ثی ی: پساو هوو فرورتیش هدا کمن ئی پیش اس بارئی پیش اموث رگا ناماد هیاش و مادئی »

داریوش شاه میگوید: « پس از آن، این فرورتیش با سواران کم گریخت و به سرزمین ری نام در ماد را از آن سو روانه شد ». (شارپ)

پس از آن ثعالبی در غرالسیر در احوال انوشیروان و تقسیم مملکت به جبال چهار گانه در ربع دوم نام ری به همراه همدان و نهاوند و الونیور و قرمیسین و اصبهان و قم و قاشان و ابهر و زنجان و ارمنیه و آذربایجان و گرگان و طبرستان آمده است.

یاقوت حموی در کتاب خود معجم البلدان از قول عمرانسی آورده است: ری شهری است که فیروز پسر یزدگرد آن را ساخت و آن را رام فیروز نام نهاد سپس ری معروف را بعد از آن ذکر کرده است. (حموی، ۱۳۸۰)

در نزهت القلوب حمدالله مستوفی آمده است: « ری از اقلیم چهارم است و ام البلاد ایران و بجهت قدمت آن را شیخ البلاد خوانند شهر گرمسیر است و شمالش بسته و هوایش متعفن و آبش ناگوار است ».

در جای دیگر او می نویسد شهر ری را شیث بن آدم پیغمبر ساخت و هوشنگ پیشدادی عمارت آن افزود و شهری بزرگ شد بعد از خرابی منوچهر بن ایرج ابن فریدون تجدید عمارتش کرد، باز خراب یافت. امیرالمومنین المهدی الله محمد بن ابودوانیق عباسی احیای عمارت آن کرد طوری که گویند شهر چنان عظیم شد که سی هزار مسجد و دو هزار و هفتصد و پنجاه مناره در آن بود.

و درباره فاصله ری تا شهرهای معروف آن زمان در نزهت القلوب چنین آمده است: از سلطانیه تا ری پنجاه فرسنگ و از ری تا ورامین ۶ فرسنگ است.

در کتاب المسالک و الممالک ابن خرداد به درباره ری آمده است:

جربی سرزمینهای شمال است و آن یک چهارم کشور است که زیر نفوذ اسپهبد شمال بوده که در زمان فارسیان (پارسیان) آذربادگان اسپهبد نامیده می شده است و در این محدوده ارمنستان و ری و دماوند و شهر دماوند و شلنبه وجود داشته است.

و درجای دیگر شهرهای پهلویان را ری و اصفهان و همدان و دینور و نهاوند و مهر جانقذق و ماسبندان و قزوین نامیده است و گفته میان قزوین و ری ۲۷ فرسنگ راه است و قزوین در مرز دیلم واقع است. (ابن خرداد به، ۱۳۷۰)

ابن حوقل در صوره الارض آورده است بعد از بغداد آبادتر از ری شهری در شرق نیست جز آنکه نیشابور به وسعت از آن بیشتر و بزرگتر است و مساحت شهر ری یک و نیم در یک فرسخ و نیم است. آورده ری شهری است از بلاد دیلم میان قومس و جبال و منسوب بدان را رازی گویند، همچنین از پنج دروازه آن نام برده است: اول دروازه باطاق که جاده بغداد از آن خارج میشود، دوم دروازه بلیان بطرف قزوین سوم دروازه کوهک به طرف طبرستان چهارم دروازه هشام به طرف خراسان و پنجم دروازه سین به طرف قم.

در قرن چهارم هجری ابن حوقل گفته است که اکثر نقاط شهر ویران شده و تجارت آن به حومه‌های شهر قدیم انتقال یافته است. (ابن حوقل، ۱۳۴۵)

زکریای قزوینی در آثار البلاد و اخبار العبادری را از امهات و اعلام المدين دانسته است، اصطخری در کتاب المسالك و الممالك در خصوص ری مینویسد: مملکت ری در دیلم ضم کرده شد و در جدول آن ثبت کرده و اگر چه او خود علی حواله مملکتی مستقیم و مستقل است و بعد از بغداد هیچ شهری معمور تر از آن نیست و خانه‌های آن به یکدیگر متصل و ملاصق اند.

ایزیدور خاراکسی یونانی از نویسندگان و جغرافیدانان قرن نخستین میلادی گفته است: « ری از تمامی شهرهای ماد بزرگتر است » .

ری از دیدگاه سفرنامه‌ها

از جمله سفر نامه‌های معروفی که در آنها به ری اشاره شده است می‌توان به سفرنامه ناصر خسرو در قرن چهارم اشاره کرد که در آن فواصل ری از سایر شهرها به این صورت بیان شده. « از بلخ تا ری سیصد و پنجاه فرسنگ حساب کردم و گویند تا ساوه سی فرسنگ است و از ری تا به سپاهان پنجاه فرسنگ و به آمل سی فرسنگ و میان ری و آمل کوه دماوند است.

در سفرنامه کلاویخو (سفیر دربار اسپانیا در ایران در سال ۸۰۵ هجری) آمده است: « ناحیه ری بسیار پهناور و حاصلخیز است این ناحیه در قلمرو حکومت داماد تیمور است و اگر چه بسیاری از برجهای آن هنوز پابرجا است و خرابه‌های آن چند مسجد وجود داشته و لیکن بکلی خالی از سکنه میباشد ».

در سفرنامه جکسن آمده است: « شهری و خرابه‌های آن از لحاظ قدمت همان افتخارات و عظمتی را که اکباتان در ایران داشته است دارد این شهر بر سر راه عراق به مشرق واقع است. (جکسن، ۱۳۵۲)

ژنرال سرپرستی سایکس که در سال ۱۸۹۴ مامور تاسیس سفارتخانه در کرمان و بلوچستان در ایران شد در سفر نامه خود تحت عنوان ده هزار مایل در ایران اینچنین مینویسد:

« از خرابه‌های ری که در سه میلی جنوب تهران واقع شده بازدید به عمل آمد. این ایام جز دیوارهای مخروب و بی قواره چیز دیگری در آن جا مشاهده نمی شود. ری همانجایی است که اپو کرینا آن را واگز نامیده و تویاس به راهنمایی رافائل فرشته از نینوا به آنجا رفت ». (جکسن، ۱۳۵۲)

مسلمانان به واسطه اینکه میگویند عمر سعد بطمع حکومت ری و به امریزید کمر قتل حسین را بسته است، از آنجا نفرت دارند.

ری پس از ظهور اسلام فوق العاده رو به آبادی و عمران می‌گذارد چنانچه اصطخری مینویسد: « در مشرق زمین هیچ شهر دیگری جز بغداد از ری آباد تر نیست، در ایام استیلای مغول این شهر دچار غارت و یغمای اردوی مهاجم شده و ۷۰۰ هزار نفر سکنه ری به قتل رسیدند و از آن تاریخ به بعد تهران جایگزین آن شد. (سرپرسی سایکس، ۱۳۶۳)

نتیجه گیری

نام شهر باستانی ری اولین بار در قدیمی ترین منابع مکتوب در اوستا آورده شده است که به صورت رغه یا رگها یا « Raga » می‌باشد و سپس از آن کتیبه بیستون به شکل « Raga » خوانده شده است. در منابع یونانی، سریانی، ارمنی، و پهلوی به شکلهای مختلفی تلفظ شده است. وجه تسمیه آن به درستی معلوم نیست ولی روایات مختلفی افسانه وار در باره آن گفته شده است. از طریق بررسی منابع و کتب قدیمی به خصوص سفرنامه‌ها با توجه به موقعیت جغرافیایی سایر مکانهای باستانی محل دقیق این شهر در ۱۴ کیلومتری جنوب شرقی تهران شناخته شده است این شهر به دلیل قرار گرفتن بر سر راه راه‌های ابریشم که غرب را به شرق پیوند می‌دهد از اهمیت ویژه‌ای به لحاظ برخورد فرهنگها و مذاهب برخوردار بوده است و از جمله شهرهای مهم ایران زمین در ادوار مختلف تاریخی می‌باشد. با توجه به پژوهشهای مختلف که تا کنون در باره این منطقه انجام شده جای آن دارد که زبان شناسان و محققین بیشتر در منابع تمدنهای باستانی نظیر آشور و یونان و منابعی به زبانهای عبری، سریانی، یونانی و . . . به جستجوی نام و هویت تاریخی این شهر بپردازند.

منابع

- ◀ ابولقاسم بن علی ابن حوقل. صورت الارض، ترجمه جعفر شعار، تهران، فرهنگ ایران، ۱۳۴۵.
- ◀ ابن خرداد به المسالك و الممالك، ترجمه دکتر حسین قره جانلو، از روی متن تصحیح شده دخویه، تهران، ۱۳۷۰.
- ◀ اصطخری، ابراهیم بن محمد. مسالك و المالك، ترجمه محمد بن اسعد بن عبدالله تستری، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات ادبی تاریخی، ۱۳۷۳.
- ◀ اعتمادالسلطنه، محمد حسین. تطبیق لغات جغرافیائی قدیم و جدید، به تصحیح میر هاشم محدث، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۳.
- ◀ بارتلد، ویلهلم. جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه همایون صنعتی زاده، تهران، انتشارات ادبی و تاریخی، ۱۳۷۷.
- ◀ حموی بغدادی، یاقوت. معجم البلدان، ترجمه علینقی منزوی، جلد اول، بخش دوم، تهران، سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۰.
- ◀ جکسن، ویلیام. سفرنامه جکسن، ترجمه منوچهر امیری، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۲.
- ◀ دیاکونوف، ایگور. تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، تهران انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
- ◀ سایکس، سرپرسی. سفر نامه ژنرال سرپرسی سایکس یا ده هزار مایل در ایران، ترجمه حسین سعادت نوری، تهران، انتشارات لوحه، ۱۳۶۳.
- ◀ سعیدیان، عبدالحسین، شناخت شهرهای ایران، تهران، انتشارات علم و زندگی، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- ◀ شارب، رلف نارمن، فرمانهای شاهنشاهان هخامنشی، شورای مرکزی جشنهای ۲۵۰۰ ساله.
- ◀ قدیانی، عباس. جغرافیای تاریخی ری (رگا)، تهران، آرون، ۱۳۷۹.
- ◀ کریمان، حسین. ری باستان، جلد اول، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، اسفند ۱۳۴۵.
- ◀ مستوفی قزوینی، حمدالله. نزهت القلوب، بی جا، بی تا.
- ◀ ناصر خسرو. سفر نامه، به کوشش دکتر محمد دبیرسیاقی، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.
- ◀ برهان قاطع، بر اساس نسخه مورخه ۱۰۶۳ هجری قمری، ناشر موسسه مطبوعاتی فریدون علمی.